

گسترش رده اسلام در نظامهای رده‌بندی دیونی و کنگره

تجلی وحدت دانش و تجربه

محمود حقیقی

نظامهای رده‌بندی با توجه به هدف آنها به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شوند. از میان رده‌بندیهای نظری، رده‌بندی ارسطو که علم را به سه قسمت عمده: علوم نظری، علوم عملی و علوم ذوقی تقسیم می‌کند، بیش از ۲۰ قرن پایه و اساس رده‌بندی علوم توسط فلاسفه و دانشمندان دیگر بوده است. از زمان ارسطو تاکنون دانشمندان زیادی هر یک بنا به مشرب فکری و سلیقه خود به رده‌بندی علوم پرداخته‌اند. در حوزه تمدن اسلامی از اواسط قرن دوم تا پایان قرن چهارم هجری فلاسفه و علمای اسلامی به نقل و ترجمه علوم اقوام دیگر پرداختند و خود نیز به رشد و توسعه این علوم همت گماشتند. با توجه به گسترش کمی و کیفی علوم و سیر تحول معنوی در جهان اسلام، متفکران اسلامی به لزوم و اهمیت رده‌بندی علوم پی بردند. اینان رده‌بندی ارسطو را جالب یافته و آن را مبنای رده‌بندیهای خود قرار دادند. بعلاوه در رده‌بندیهای آنان علوم اسلامی، بویژه علوم شرعی و نقلی، نیز منظور شد.

به منظور تأمین توالی منطقی و پیوستگی مطلوب موضوعها و دوام و پایداری یک نظام رده‌بندی عملی (کتابخانه‌ای و کتابشناختی) و هماهنگی آن با نظم واقعی علوم باید در تنظیم آن از نظم رده‌بندیهای نظری بهره گرفت و از اصولی که در تنظیم موضوعات توسط متخصصان رشته‌های مختلف دانش بکار رفته پیروی کرد. طرح رده‌بندی کتابخانه‌ای در صورتی مفید و مؤثر است که

روابط میان موضوعات و نظم درونی شاخه‌های هر علم را نشان دهد. بلیس^۱ که خود از واضعان طرح‌های رده‌بندی کتابخانه‌ای است می‌گوید «دو نوع رده‌بندی وجود دارد، در یک سو رده‌بندیهای علمی، طبیعی، و منطقی، و در سوی دیگر رده‌بندیهای عملی، سلیقه‌ای و رده‌بندیهایی که برای منظوری خاص تهیه می‌شوند، اما رده‌بندی کتابخانه‌ای باید این دو نوع را به یکدیگر پیوند زند».^۲ امروز دو نظام رده‌بندی کتابخانه‌ای، رده‌بندی دهدهی دیوئی و رده‌بندی کتابخانه‌کنگره در کتابخانه‌های ایران متداول است. این رده‌بندیها که عمدتاً به منظور عملی بودن در اوضاع و شرایط خاصی ایجاد شده‌اند، در زمینه موضوعهای فرهنگی، اصول اساسی رده‌بندی را برای سازماندهی دانشهای مختلف رعایت نمی‌کنند. در آنها، موضوعهایی چون دین، زبان، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، فلسفه و هنر ملل شرق به دلیل عدم نیاز، از بسط و تفصیل لازم برخوردار نیستند.

مرحوم دکتر طاهری عراقی که به نارسائیهای این دو رده‌بندی بویژه در زمینه علوم شرعی اسلامی آگاهی کامل داشت، با تکیه بر نظامهای رده‌بندی سنتی و از طریق سازماندهی منطقی اندیشه‌ها و مفاهیم، اساسی استوار برای رده‌بندی علوم شرعی فراهم آورده است. وی در مقدمه مبسوط خود در رده BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌کنگره)^۳، ابتدا سیر تکوین و تدوین علوم شرعی اسلامی را بیان می‌کند، سپس به طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی می‌پردازد، و پس از ذکر ویژگیهای این رده‌بندیها می‌افزاید «از بررسی روش طبقه‌بندیهای اسلامی، می‌توان چند قاعده و ضابطه استخراج کرد که ملاک تقسیم بندیهای علوم بوده است. از آن جمله است: ۱- عموم و خصوص، یعنی از

1. H.E. Bliss

2. W.C.B. Sayers, *A Manual of Classification for Libraries*, 4 th ed. edited by Arthur Maltby (London:Andre Deutsch, 1967), P.50.

۳. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری. رده BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌کنگره). تهیه شده در مرکز خدمات کتابداری. تنظیم و تدوین احمد طاهری عراقی. (تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۸).

موضوعات عام به خاص رفتن و اشتقاق موضوعات اخص از اعم. ۲- توقف (یا اناطه)، یعنی تعلیم و تعلم بعضی علوم موقوف است بر آگاهی بردانشهای دیگر، مانند توقف علم بلاغت بر صرف و نحو، و علم طب بر علم تشریح. ۳- اشرفیت، یعنی ترتیب علوم بر حسب اشرفیت و افضلیت. ملاک تعیین اشرفیت هر علم می‌تواند موضوع علم، غایت و غرض علم، و درجه نیاز مردم به آن علم باشد. در هر یک از طبقه‌بندیهای قدما، یکی از این ضوابط (و گاه دو یا سه ضابطه) منظور شده است.^۱ ضوابط فوق، ملاکهایی منطقی هستند و رعایت آنها در هر طرح رده‌بندی باعث توالی منطقی موضوعها و پیوستگی مطلوب آنها می‌شود.

در مبحث طبقه‌بندی علوم شرعی در مقدمه رده BP: اسلام، به دو دسته از رده‌بندیهای سنتی در باب علوم شرعی اشاره شده است. یک دسته، نخستین دانش را در این علوم، کلام و عقاید دانسته‌اند، و دسته‌ای دیگر علوم قرآنی. «دلیل کسانی که علوم قرآنی را نخست آورده‌اند این است که قرآن نخستین مرجع اعمال و افکار اسلامی است و پایه اصلی بسیاری علوم.»^۲ آقای طاهری نظام رده‌بندی دسته اخیر را مورد تأیید قرار می‌دهد و طرح خود را متأثر از این دسته می‌داند. طرح وی بیشتر به رده‌بندیهایی چون رده‌بندی اخوان الصفا، ابن خلدون و حاجی خلیفه نزدیک است. رسایل اخوان الصفا برای صنایع علمی این تقسیمات را قائل است: الف) علوم ریاضی. ب) علوم شرعی. ج) فلسفه حقیقی. در این رسایل در باب علوم شرعی چنین آمده است «علوم شرعی که برای طلب نفوس و طلب آخرت وضع شده است، شش نوع است: اول: تنزیل، دوم: تاویل، سوم: روایات و اخبار، چهارم: فقه و سنن و احکام، پنجم: تذکار و مواظب و زهد و تصوف، ششم: تاویل روایا.»^۳ ابن خلدون در مقدمه معروف خود ابتدا علوم را به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم می‌کند، و معتقد است که علوم عقلی زاینده فکر و اندیشه انسان است، و برای این دسته قائل به تقسیمات زیر است: منطق، علوم

۱. همان، ص ۲۸ مقدمه.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. مهدی محقق، «تقسیم بندی علوم از نظر دانشمندان اسلامی» در فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی،

دوره ۱، ش. ۱، ۱۳۷۰، ص ۲۹-۳۰.

طبیعی، الهیات و علوم مقادیر (هندسه، حساب، موسیقی، هیأت). همچنین در نظر وی اصل کلیه علوم نقلی عبارت از امور شرعی است، و برای این علوم تقسیماتی قائل است که در صدر آنها علوم قرآنی و سپس به ترتیب حدیث، فقه و اصول، کلام و عقاید، و تصوف را قرار داده است.^۱ حاجی خلیفه نیز مانند ابن خلدون علوم متداول را به دو دسته تقسیم می‌کند. دسته اول را معتقد است که انسان می‌تواند به یاری عقلش درک کند و این دسته را علوم حکمی می‌نامد. دسته دوم علوم نقلی هستند که کلیه آنها مستند به خبر از واضح شرعی است و هیچ مجالی برای عقل در آنها نیست، مگر در پیوند دادن فروع آنها به اصول. و این علوم نقلی وضعی به علوم قرآنی، حدیث، اصول فقه و فقه، و کلام تقسیم می‌شود.^۲

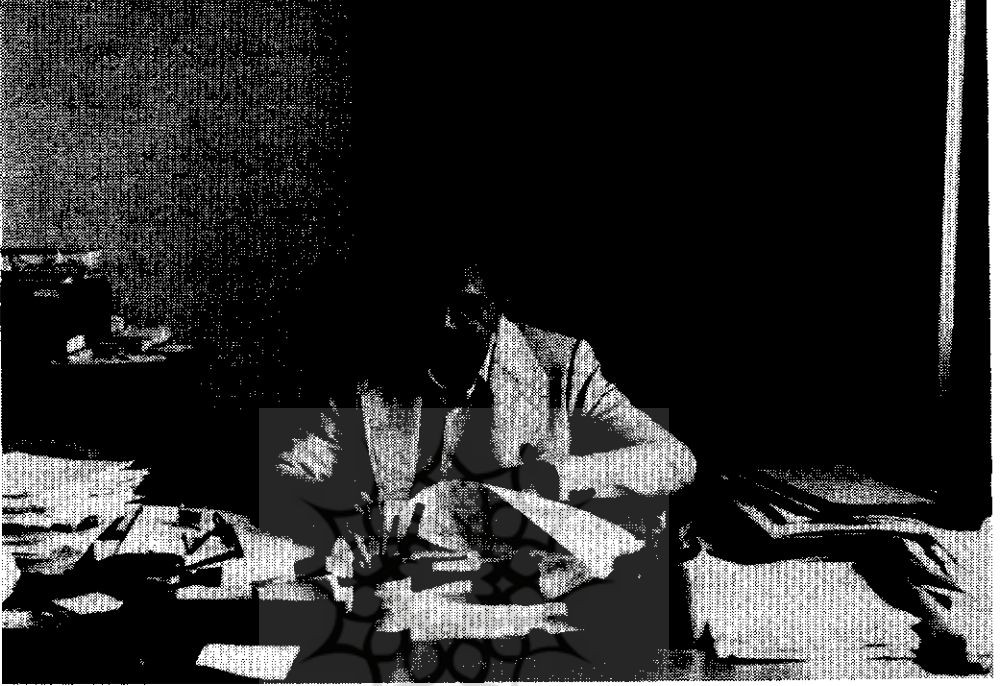
ترتیبی که ابن خلدون برای علوم نقلی ذکر می‌کند در واقع مبتنی بر شیوه تعلیمی سنتی است، و نشان می‌دهد که علوم مختلف به چه ترتیبی در چند قرن گذشته مطالعه و تدریس می‌شده است. چنانچه وی مثلاً در باب تعلیم فرزندان می‌گوید «باید دانست که تعلیم دادن قرآن به فرزندان یکی از شعایر دینی است و در همه شهرهای اسلامی این راه را پیموده‌اند، از این رو که به سبب آیات قرآن و برخی از متون حدیث، عقاید ایمان پیش از هر چیز در دلها رسوخ می‌یابد و بنابراین قرآن به منزله اساس تعلیم قرار گرفته و دیگر ملکاتی را که بعداً باید محصل فراگیرد همه مبتنی بر آن است».^۳ سید حسین نصر در بیان اهمیت رده‌بندی ابن خلدون اظهار می‌دارد «کاملترین و مفصلترین بحث درباره علوم و طبقه‌بندی آنها در آثار مؤلفان قرنهای هشتم / چهاردهم تا یازدهم / هفدهم، همچون مفتاح السعادة طاش کبری زاده، و دایرة المعارف فارسی شمس‌الدین آملی، به نام نفائس القنون، و کشف الظنون حاجی خلیفه، و در مقدمه ابن خلدون

۱. نقل به اختصار از عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین

گنابادی. (تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۸۸۴.

۲. ترجمه و نقل به اختصار از مصطفی بن عبدالله، حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و القنون. (بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۲=۱۳۶۱ ش.)، ج ۱، ص ۴۰.

۳. مقدمه ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۱۳۸.



پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرانسې

دکتر احمد طاهري عراقی

(تولد: ۱۳۲۲/۱۲/۱ - فوت: ۱۳۷۰/۲/۱۴ شمسی)

آمده است، و این یک، محتوی یکی از بهترین توصیفها و طبقه‌بندیهای علوم اسلامی است.^۱ وی در ادامه می‌افزاید که این طبقه‌بندی را که در فعالترین دوره تاریخ اسلامی تألیف شده است می‌توان صورت نهایی تقسیم علوم در اسلام دانست.

طرح گسترش رده‌بندی اسلام بیش از همه از رده‌بندی ابن خلدون متأثر است. این طرح به شیوه‌ای منطقی علوم را دسته‌بندی کرده و ضوابط متداول در طرحهای سنتی در آن رعایت شده و در واقع منعکس کننده روح واقعی رده‌بندیهای علمای اسلامی است. همچنانکه در نزد ابن خلدون علوم شرعی با قرآن که سرچشمه همه علوم نقلی اسلامی است. شروع و با تصوف ختم می‌شود، در گسترش رده‌بندیهای کتابخانه‌ای آنها نیز چنین نظمی رعایت شده است. بطور کلی با توجه به ویژگیهای مجموعه رده‌بندیهای سنتی که قرن‌ها در قلمرو تمدن اسلامی مبنای تعلیم و تعلم، تألیف و نگارش بوده، ترتیب چهار علم اساسی علوم شرعی در طرح گسترش چنین آمده است: علوم قرآنی، علوم حدیث، اصول فقه و فقه، کلام و عقاید. به این علوم چهارگانه، علوم و مسائل دیگری که در حوزه شریعت اسلامی مطرح بوده، افزوده شده است. اینها عبارتند از: مسایل و آراء جدید در اسلام، فرق اسلامی، اخلاق اسلامی، آداب و رسوم مسلمانان، تاریخ و تراجم و سیر، تصوف و عرفان. در این میان مباحث مربوط به مسایل و آراء جدید در اسلام به دلیل برخی خصوصیات مشترک آنها با علم کلام، در ادامه باب کلام و عقاید قرار گرفته و برای بقیه ابواب جداگانه‌ای منظور شده است.

بدین ترتیب طرح گسترش با پشتوانه‌ای از نظم رده‌بندیهای سنتی که به منزله ستون فقرات آن محسوب می‌شود، تدوین شده است. به منظور انطباق این طرح با نظامهای کتابخانه‌ای، به عبارت دیگر پیوند دانش و تجربه، تمهیداتی صورت گرفته است، از جمله: رعایت رابطه بین موضوعها و اشتقاق جزء از کل و

۱. حسین نصر، علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام. (تهران: نشر اندیشه با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۰)، ص ۴۹.

شمول کل بر جزء، تأمین نشانه‌ها و نمایه‌ها و تقسیمات شکلی، زمانی و مکانی، پیش‌بینی‌های لازم برای موضوعات جدید، ارائه تعریف‌های لازم برای هر رده و نشانه، و کاربرد مثالها، ارجاعها و توضیحات، ارائه تدابیر لازم برای استقرار آثار وابسته به یک اثر در کنار آن اثر. طرح گسترش، در امر انطباق، حتی‌الامکان به اصول رده‌بندی سنتی وفادار مانده است، برای مثال چون طبق رده‌بندیهای سنتی علم رجال از فروع علم حدیث محسوب می‌شود، در گسترش اسلام در نظام کتابخانه کنگره، برخلاف شیوه متداول این نظام که زندگینامه‌ها را در قسمت کلیات هر موضوع ذکر می‌کند، زندگینامه محدثان ذیل این علم منظور شده است.^۱ در دو مقدمه مفصل (۱- سیر علوم شرعی و طبقه‌بندی آنها از مرحوم طاهری، و ۲- کاربرد این طبقه‌بندی از خانم پوری سلطانی) در ابتدای گسترش رده‌بندی اسلام در نظام کنگره، توضیحات مفیدی در باب ابعاد نظری و عملی رده‌بندی آمده است که کمک مؤثری در کاربرد این گسترش محسوب می‌شود.

بنیان نظری طرح گسترش همانطور که اشاره شد دوام و پایداری آن را تضمین می‌کند. اعتبار بعد عملی آن که در واقع به تنظیم دانش مکتوب بر می‌گردد با میزان کارائی آن در کتابخانه‌ها ارزیابی می‌شود. بیش از یک دهه است که کتابخانه‌ها گسترش اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه کنگره را بکار برده‌اند، و قریب دو دهه است که کتابخانه‌هایی که تنظیم مجموعه آنها براساس نظام رده‌بندی دهدهی دیوئی است، در سازماندهی کتب مربوط به دین اسلام از رده‌بندی دهدهی دیوئی: اسلام^۲ بهره گرفته‌اند. بسیاری از مشکلات هر دو گروه کتابخانه در رابطه با رده‌بندی کتب اسلامی به کمک گسترش‌های مربوط حل شده است. در این کتابخانه‌ها دیگر رده‌بندی کتب اسلامی بر اساس طرحهای ساختگی و ناقص و بی‌هویت که به هیچ وجه نیازهای معمولی کتابخانه‌های ما را برآورده نمی‌کنند، صورت نمی‌گیرد. اکنون آنها طرحی در اختیار دارند که بر پایه

۱. مدرسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری. مآخذ پیشین، «مقدمه: کاربرد این طبقه‌بندی»، از پوری سلطانی، ص ۱۲۱.
 ۲. ملویل دیوئی، رده‌بندی دهدهی دیوئی: اسلام، تنظیم و تدوین احمد طاهری عراقی. ویرایش ۲. (تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۳).

نظمی استوار قرار دارد. نظمی که برخاسته از فکر و نظر صاحبان اصلی این علوم است. ابزاری مطمئن در اختیار دارند که به وسیله آن نسبت و هماهنگی کتب علوم اسلامی تأمین می‌شود. با این حال، علی‌رغم همه امتیازاتی که طرح مرحوم دکتر طاهری در بردارد، و وی آن را با زحمات بسیاری که در سفر و حضر متحمل شده، تدوین کرده است، کاربرد آن در کتابخانه‌ها نشان می‌دهد که در تمهیدات فنی آن در برخی موارد باید تجدید نظرهایی بعمل آید تا طرح در عمل از کارآئی بیشتری برخوردار شود و استفاده آسان و روان از آن امکان پذیر باشد. از جمله در گسترش رده اسلام در نظام رده‌بندی کنگره، رده‌بندی نویسندگان هر قرن بر مبنای تاریخ وفات آنها در شماره‌های تعیین شده، این مشکل را مطرح می‌سازد که در مواردی که تاریخ وفات این نویسندگان در دسترس نیست، تعیین شماره‌ای مناسب برای آنها در طرح عملی نباشد. به منظور رفع چنین اشکالی، راه حل عملی این است که نویسندگان هر قرن بر حسب الفبای اسم اشهر مرتب شوند. و باز در همین گسترش مثالها و عناوینی که در طرح در مقابل نام نویسندگان ذکر شده است، علی‌رغم توضیحات مقدمه، برای کتابخانه‌ها این شبهه را ایجاد می‌کند که شماره مقابل این آثار، خاص این عناوین است و نه نویسندگان آثار. برای رفع این ابهام، یا باید عناوین ذکر شده از طرح حذف گردد، و یا مثالها به شکلی واضح‌تر آورده شود.

در باب گسترش شماره دین اسلام در نظام رده‌بندی دهمی دیوئی نکته اساسی این است که در اینجا گسترش به اجمال برگزار شده است. مقایسه گسترش اسلام با شماره‌های مسیحیت (۲۸۰-۲۳۰) در طرح اصلی دیوئی که ۶۰ صفحه از طرح ویرایش بیستم این رده‌بندی به آنها اختصاص یافته است، روشنگر این واقعیت است که به گسترش شماره اسلام در این رده‌بندی باید عنایتی بیشتر مبذول گردد.^۱ در اینجا از بسط و تفصیل گسترش اسلام در نظام رده‌بندی کنگره و مقدمه مبسوط آن خبری نیست. علت این بی‌مهری شاید

1. Melvil Dewey, *Dewey Decimal Classification and Relative Index*. 20th ed. (Albany, N.Y.: Forest Press, 1989). V. 2, p. 145.

همانطور که در مقدمه این گسترش آمده ناشی از آن باشد که رده‌بندی دیوئی خاص کتابخانه‌های عمومی و غیر تخصصی فرض شده است. بحث بر سر اینکه آیا واقعاً چنین است و رده‌بندی دیوئی خاص کتابخانه‌های غیر تخصصی و آن دیگری خاص کتابخانه‌های اختصاصی تدوین شده است، از حوصله این گفتار خارج است. همین قدر باید اشاره شود که چنانچه به گسترشهای موضوعات فرهنگی، در نظام دیوئی بهایی شایسته داده نشود، بسیاری از کتابخانه‌های نوپا که مجموعه‌ای قابل توجه در این موضوعات دارند، ناخواسته نظام رده‌بندی دیوئی را با مزایای بسیارش رها ساخته و به رده‌بندی کنگره روی خواهند آورد. نگارنده این سطور برای کتابخانه‌هایی که مجموعه آنها طبق نظام کنگره سازمان یافته است، بازگشت به نظام دیوئی را توصیه نمی‌کند، و آن را اقدامی درست و سنجیده نمی‌داند. ولی برای رده‌بندی مجموعه کتابخانه‌های نوپا، به جز مجموعه‌های کاملاً تخصصی که به طرحهای رده‌بندی ویژه‌ای نیاز دارند، از میان نظامهای رده‌بندی کتابخانه‌ای متداول، نظام رده‌بندی دیوئی را مناسبتر می‌داند. و معتقد است چنانچه در این نظام در شماره مباحث و موضوعات فرهنگی گسترشی شایسته بعمل آید، این رده‌بندی با ویژگیهای ارزنده‌ای که دارد، از جمله نشانه عددی عالی آن که مستقل از حروف زبان بیگانه است، رعایت اصل عموم و خصوص و سلسله مراتب موضوعات در آن، جامعیت، انعطاف‌پذیری و اصالت آن که مبتی بر بنیانهای فلسفی است، می‌تواند نقش ارزنده‌ای در سازماندهی مجموعه کتابخانه‌های ما داشته باشد، و در آن صورت کتابداران ما و مراجعان کتابخانه‌های ما نیز از شایستگی‌های عملی این نظام بهره‌مند خواهند شد.

بدون تردید بیان نکات فوق به هیچ وجه از اهمیت اثر بزرگ و با ارزش مرحوم دکتر طاهری نمی‌کاهد. وی طرح کلی و تقسیمات داخلی علوم را که در واقع منعکس‌کننده روح واقعی رده‌بندیهای علمای اسلامی است، تنظیم کرده است. توصیه‌ها و پیشنهادهای فوق جملگی در این راستاست که کتابخانه‌های این مرز و بوم در امر سازماندهی مجموعه‌های خود بتوانند از حاصل زحمات آن

مرحوم بیشترین بهره را بگیرند. امید اینکه کتابخانه ملی ایران که اکنون متولی تدوین، تجدید نظر، و انتشار گسترش‌های موضوعهای مختلف در نظامهای رده‌بندی متداول است، در ویرایشهای آتی آنها، به نکات فوق توجهی شایسته مبذول نماید.

عظمت شخصیت علمی مرحوم دکتر طاهری صرفاً درگرو تدوین و ارائه طرح گسترش رده اسلام به منظور کاربرد در رده‌بندیهای کتابخانه‌ای متداول نبود. وی در طی حیات کوتاهش در ابعاد مختلف منشاء خدمات علمی و فرهنگی بسیاری بود. افسوس که زمانه زمانش نداد و دست تقدیر شمع وجود او را خیلی زود خاموش ساخت، و جامعه علمی کشور را از وجود فیاض محروم کرد. وی حق عظیمی بر گردن جامعه کتابداری ایران دارد، هم از بابت تدریس به دانشجویان این رشته و هم از بابت تألیف آثار ارزنده مربوط به این حوزه. مهمتر اینکه شخصیت وارسته و عارفانه‌اش همواره الهام بخش دانشجویان و همگنانش بوده است. شک نیست که کتابداران ما چه در حال و چه در آینده، وقتی مجموعه علوم اسلامی کتابخانه‌هایشان، بر مبنای گسترش‌های رده‌بندی اسلام تنظیم شود، و کتابها از وضع پریشان و گسیخته به صورتی نظام یافته و همبسته ترتیب یابد، و نظم اصیلی را پیدا کند که علوم اسلامی در طی قرون و اعصار بر آن اساس رده‌بندی می‌شده‌اند، ارزش آثار مرحوم دکتر طاهری را بیشتر خواهند شناخت و یاد او را همواره گرامی خواهند داشت. روانش شاد باد.